

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
 وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٤﴾  
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ  
 الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٥﴾  
 إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۗ فَحَسْبُهُ  
 جَهَنَّمُ ۗ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٦﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي  
 نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ  
 ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ۚ  
 وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ  
 ﴿٢٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا  
 أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا  
 أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ  
 وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٣١﴾

از میان مردم کسی است که در زندگی دنیا سخنان او [در طرفداری از حق] تو را به تعجب و ا می دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد. در حالی که او سخت ترین دشمنان است. ﴿۲۰۴﴾

و هر گاه [از نزد تو] بازگردد، در زمین به تکاپو می افتد تا در آن تباهی و فساد کند و کشت و نسل بشر را به نابودی کشاند، و خداوند تباهی را دوست نمی دارد. ﴿۲۰۵﴾

و چون به او گفته شود: از خدا پروا کن، عزّت و عُجب [خیالی]، او را فرامی گیرد [و پند نمی گیرد]. دوزخ او را بس است و راستی که بد جایگاهی است. ﴿۲۰۶﴾

و از میان مردم کسی است که برای طلب و به دست آوردن رضا و خشنودی خدا جانش را می فروشد و خدا به بندگانش رئوف است. ﴿۲۰۷﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در برابر خدا تسلیم شوید و گام های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. ﴿۲۰۸﴾

پس اگر بعد از آنکه آیات و نشانه های آشکار برایتان آمد، دچار لغزش و انحراف شدید، بدانید که خداوند توانای حکیم است. ﴿۲۰۹﴾

مگر انتظار آنان [کفار و منافقان] غیر این است که خدا و فرشتگان در سایه های ابر سفید به سوی آنان بیایند تا کار [داوری] یکسره شود؟ و همه کارها به سوی خدا بازمی گردد. ﴿۲۱۰﴾

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام شخصیتی است که همه مسلمانان، ایشان را رهبر و پیشوای خود می‌دانند. شیعیان، امام علی علیه السلام را امام اول و اولین جانشین بعد از پیامبر می‌شمارند. و اهل سنت ایشان را خلیفه چهارم خود محسوب می‌نمایند. شناخت این شخصیت بزرگ و سبک زندگی و رهبری ایشان به ما کمک می‌کند تا معیارهای رهبری در جامعه اسلامی را بهتر بشناسیم و در انتخاب مسئولان جامعه خود بهتر عمل کنیم.

## پرورش در دامان پیامبر

امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ده سال قبل از بعثت پیامبر در خانه کعبه به دنیا آمد.<sup>۱</sup> پدرش ابوطالب به پیشنهاد پیامبر، نام ایشان را «علی» گذاشت. علی به معنای «والا» و «بلند مرتبه» است. سه یا چهار سال بیشتر نداشت که به خانه پیامبر آمد و تا چندین سال نزد ایشان زندگی می کرد. خودش درباره این دوران می فرماید:

«درحالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم و پیامبر مرا در کنار خود می نهاد... نه هرگز دروغی در گفتار من دید و نه رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد ...»

من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می رود، از آن بزرگوار پیروی می کردم و او هر روز پرچمی از خوی های نیکوی خود را برای من می افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می داد ...»

... هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، این فریاد اندوهناک چیست؟ پاسخ داد: این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی گمان آنچه را من می شنوم تو هم می شنوی و آنچه را من می بینم تو هم می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی<sup>۲</sup>، بلکه وزیر هستی و تو هر آینه بر راه خیر می باشی.<sup>۳</sup>

شخصیتی که تا ده سالگی به این مرتبه از دانایی و بزرگی رسیده بود، با اعلام رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، ایمان خود به رسول خدا را اعلام کرد و در تمام لحظات سخت دوران مکه در کنار پیامبر بود. آن حضرت در شعب ابی طالب در سه سالی که پیامبر در محاصره اقتصادی قرار داشت، به فرمان پدر مسئولیت حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر عهده گرفت. از آن پس در تمام صحنه های سخت و پرخطر در مکه و مدینه حضور داشت و با رشادت و شجاعت خود، سبب موفقیت اسلام و عقب نشینی مشرکان و کفار می شد.

خوابیدن در جای پیامبر در هنگام توطئه دشمنان برای کشتن آن حضرت، رشادت و قهرمانی بی نظیر در جنگ بدر، استقامت و فداکاری در جنگ احد با وجود زخم های فراوان و در حالی که جز اندکی

---

۱- ماجرای تولد حضرت علی علیه السلام در خانه کعبه علاوه بر کتاب های شیعی در کتاب های بزرگان اهل سنت نیز بارها نقل شده است. به عنوان نمونه، می توان به این موارد اشاره کرد: المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۵۵؛ تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۱۰؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مربوط به روز اول بعثت است، از این کلام درمی یابیم که خداوند آگاه به همه امور، از شایستگی های امام علی علیه السلام نیز خبر دارد و به پیامبر امر فرموده تا ایشان را وزیر خود قرار دهد.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بخشی از خطبه قاصعه.

از مسلمانان بقیه فرار کرده بودند، انداختن رعب در دل دشمنان و فراری دادن آنان با شکست دادن پهلوان عرب «عمرو بن عبدود» در جنگ خندق، فتح قلعه‌های خیبر و شکستن بت‌های خانه کعبه در هنگام فتح شهر مکه، تنها بخشی از فداکاری‌های ایشان در راه اسلام بود.

آن حضرت در تمام این دوران، گوش به فرمان رسول خدا ﷺ بود و پیامبر اکرم ﷺ ایشان را عزیزتر از فرزند دوست می‌داشت. تا اینکه در سال یازدهم هجرت، رسول خدا درحالی که سر بر دامن وی گذاشته بود، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد و یار وفادار خود را تنها گذاشت و این درحالی بود که بارها حضرت علی (ع) را به عنوان امیرالمؤمنین، برادر، وصی و جانشین خود به مردم معرفی کرده بود.

### امیرالمؤمنین علی (ع) از دیدگاه پیامبر ﷺ

شخصیت والا و بی‌مانند حضرت علی (ع) نتیجه تربیت مستقیم پیامبر اکرم ﷺ بود. رسول خدا ﷺ ایشان را به گونه‌ای تربیت کرده بود که الگو و سرمشق مسلمانان زمان خود و سایر دوران‌ها باشد. از این رو، در هر فرصتی از این شخصیت والا سخن می‌گفت و عشق و محبتش را به وی ابراز می‌کرد.

جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا ﷺ می‌گوید: در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا ﷺ بودیم که علی (ع) وارد شد. رسول خدا ﷺ فرمود: «برادرم به سویتان آمد». سپس رو به سمت کعبه کرد و دست بر آن گذاشت و فرمود: «سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد، شیعیان و پیروان او، رستگاران و در روز قیامت، اهل نجات‌اند».<sup>۱</sup>

سپس فرمود: «این مرد اولین ایمان‌آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راست‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات و ارجمندترین شما نزد خداست».<sup>۲</sup>

در همین هنگام، آیه زیر بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد و پیامبر آن را قرائت کرد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ<sup>۳</sup>

۱- «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ»؛ الدر المنثور، سیوطی، ذیل آیه «وَأُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، ج ۵، ص ۷۲۰.

۳- سوره بقره، آیه ۷.

همان گونه که مشاهده کردید رسول خدا ﷺ، در سخنان خود از کلمه «شیعه» که ترجمه آن «پیرو» می شود، استفاده کرده و پیروی از امام علی علیه السلام را سبب رستگاری دانسته است. بنابراین، شیعه، مسلمانی است که به فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر المؤمنین علیه السلام را جانشین پیامبر می داند و از او پیروی می کند.

### بیشتر بدانیم

خوب است بدانیم که لفظ شیعه، واژه ای است قرآنی. در قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام معرفی شده و درباره ایشان آمده است: «إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِأَبْرَاهِيمَ»<sup>۱</sup>؛ پس حضرت ابراهیم علیه السلام از آن جهت که راه حضرت نوح را ادامه داده، شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام است.

در موقعیت های دیگر، رسول خدا ﷺ درباره امام علی علیه السلام می فرمود:

۱- عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ.<sup>۲</sup>

۲- عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ.<sup>۳</sup>

### تفکر در حدیث

در این دو حدیث بیندیشید و به سؤال های زیر پاسخ دهید.

۱- میان حدیث اول و حدیث ثقلین چه رابطه ای وجود دارد؟

۲- حدیث دوم چگونه با بحث عصمت، عدالت و علم امام ارتباط دارد؟

روزی رسول خدا ﷺ پس از بیان جایگاه علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «دروغ می گوید کسی که می پندارد مرا دوست دارد، در حالی که دشمنی و کینه تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو... کسی به فلاح می رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می رسد کسی که از تو دوری گزیند. مثل تو و امامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یابد و هر کس سربچی کند، هلاک شود، مثل شما مثل ستارگان آسمان است که چون ستاره ای غایب شود، ستاره ای دیگر طلوع می کند تا روز قیامت».<sup>۴</sup>

۱- سوره صافات، آیه ۸۳.

۲- امالی، طوسی، ج ۱۰، ۲۸، المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳- امالی، صدوق، ص ۸۹، المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴- غایة المرام، هاشم بن سلیمان بحرانی، ج ۲، ص ۵۲۲، به نقل از صدوق.

برخی می‌پرسند چرا با وجود همه تلاش‌هایی که پیامبر ﷺ در معرفی امیر مؤمنان علی علیه السلام و بیان فضائل ایشان در زمان‌ها و مکان‌های متعدد داشت، اما پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بسیاری از مردم، به‌خصوص رؤسای قبایل و بزرگان قوم کمتر به این حقیقت توجه کردند؟

پاسخ کوتاه آنکه: یکی از علت‌های این بی‌توجهی، افکار و اندیشه‌های باقی‌مانده از دوران جاهلیت قبل از اسلام بود که به این آسانی از ذهن و فکر مردم خارج نمی‌شد. در جاهلیت، بزرگان قبایل بدون آنکه دارای فضیلت خاصی باشند، صرفاً به این دلیل که رئیس قوم بودند، قدرت و ویژه‌ای داشتند و مردم آنان را بزرگ می‌شمردند و فضیلت‌هایی مانند علم، عدالت‌خواهی، جوانمردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس، ارزش و جایگاهی نداشت. آنان حتی میان فرمان و دستور پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان خدا و پیامبر، به سوی فرمان بزرگان قوم خود متمایل می‌شدند. از این‌رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته فضائل امام علی علیه السلام را به آن مردم یادآوری می‌کرد تا شاید بزرگان قبایل و افراد هر قبیله به جای ارزش‌های جاهلی به رفتار و کردار امیر مؤمنان بیشتر توجه کنند و به مقابله با ایشان برخیزند.

### ویژگی‌های امیر مؤمنان علی علیه السلام

بزرگان علم و دانش، از مسلمان و غیرمسلمان، پس از بررسی شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام با شگفتی مشاهده کرده‌اند که فضایی در آن امام است که به سختی در یک فرد، جمع می‌شود. آن امام در میدان جنگ، شجاع‌ترین؛ در محراب عبادت، عابدترین؛ در مقام قضاوت، دقیق‌ترین؛ در کلاس درس، عالم‌ترین؛ در بلاغت و زیبایی سخن، بلیغ‌ترین؛ و در عرصه حکمرانی، عادل‌ترین است.<sup>۱</sup>

در میان فضیلت‌های مختلف آن بزرگوار، در این درس به دو فضیلت ایشان اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم:

#### ۱- علم بی‌کران

همان‌طور که گفتیم، یکی از ابعاد شگفت‌انگیز شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام، علم و معرفت وی بود. ایشان در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی، حکومت و کشورداری، نظام اجتماعی و اقتصادی، اخلاق و فضیلت و سایر موضوعات مورد نیاز هدایت و سعادت انسان، سخن گفته و ما را راهنمایی کرده است.

۱- جاذبه و دافعه علی علیه السلام، استاد مطهری، ص ۱۰ از مقدمه.

کتاب «نهج البلاغه»<sup>۱</sup> که بخشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پند و اندرزهای ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی‌مانند است. دانشمندان بزرگ جهان اسلام از زمان تدوین این کتاب تاکنون، در موضوعاتی که ذکر شد، همواره از این کتاب بهره‌مند شده‌اند. برخی دیگر از دانشمندان هم برای استفاده بیشتر مردم از این کتاب، بر آن شرح‌ها نوشته‌اند تا مردم به نکات دقیق و عمیق این کتاب بیشتر پی ببرند.<sup>۲</sup>

ابن ابی‌الحدید که از اندیشمندان اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر خوانده‌اند...»<sup>۳</sup>.

وی در شرحی که بر خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه نوشته است، می‌گوید: «قسم می‌خورم به کسی که همه امت‌ها به او قسم خورده‌اند، که پنجاه سال است این خطبه را مطالعه می‌کنم و در این پنجاه سال، بیش از هزار مرتبه آن را خوانده‌ام، و تاکنون هیچ بار آن را نخوانده‌ام مگر آنکه در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است. چقدر خطبا و موعظه‌کنندگان درباره مرگ و آخرت خطبه خوانده‌اند! و من چقدر خطبه‌های آنان را خوانده و در آن تأمل کرده‌ام! اما تاکنون هیچ کدام از آنها تأثیر این خطبه را در جان من ایجاد نکرده است...»<sup>۴</sup>.

امیرالمؤمنین علیه السلام جز نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همین باره فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ	من شهر علم هستم
وَعَلِيٌّ بَابُهَا	و علی در آن است.
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ	هرکس این علم را بخواد
فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا	باید از در آن وارد شود. <sup>۵</sup>

۱- نهج البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری قمری، تدوین شد. وی کتاب‌های حدیثی و تاریخی زمان خود را که سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در آنها بود، گرد آورد و گزیده‌ای از سخنان را در یک کتاب قرار داد و آن را «نهج البلاغه» نامید. سایر سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام که حجمی بیش از نهج البلاغه دارد و در سایر کتاب‌های تاریخی و حدیثی موجود بوده، در سال‌های اخیر در مجموعه‌ای به نام «موسوعه امیرالمؤمنین» گرد آمده و در اختیار پژوهندگان قرار گرفته است.

۲- در میان شرح‌های فارسی، می‌توان شرح استاد محمدتقی جعفری و شرح آیت‌الله مکارم شیرازی را نام برد.

۳- مقدمه شرح ابن ابی‌الحدید بر نهج البلاغه.

۴- شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۱، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۵- شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۸۱ و امام شناسی، سید محمدحسین حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.



این حدیث شریف، دربردارنده پیام‌های متعددی است. با تفکر در آن، سه پیام آن را به دست

آورید :

۱-

۲-

۳-

امیر مؤمنان علی علیه السلام خود می فرمود : «هرگاه از پیامبر سؤال می کردم، پاسخم را می داد و اگر در حضورش سکوت می کردم، ایشان پیشگام می شد و از دانش خود مرا بهره مند می ساخت»<sup>۱</sup>.  
بدین ترتیب، امیرالمؤمنین علیه السلام به دانش بی مانندی رسید که هرکس در هر موردی از ایشان سؤال می پرسید، ایشان بی درنگ و در کمال درستی پاسخ می داد.

### سؤال در میدان جنگ

در چکاک شمشیرها و نیزه‌ها و در لابه‌لای نعره‌ها و فریادهای رزم‌آوران جنگ جمل، مردی دچار شک و تردید شده بود : «خدایا، حق با کدامین طرف است؟ در یک سو علی، وصی پیامبر و امیر مؤمنان سردار بزرگ اسلام و در سوی دیگر، برخی بستگان پیامبر و دوتن از صحابه آن حضرت، یعنی «طلحه» - مرد خوش سابقه اسلام - و «زبیر» - دلاور میادین نبرد - صف بسته اند. آیا می شود هر دو گروه برحق باشند یا هر دو بر باطل؟! ... به راستی کدام یک بر حق است؟»  
سرانجام چاره کار در این دید که جواب را از علی علیه السلام بگیرد.

امام، بدون اینکه فوراً بگوید من بر حق هستم، معیاری در اختیار وی قرار داد که با آن معیار بتواند همواره جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی را بر اساس آن معیار ارزیابی کند و حق یا باطل بودن آنها را به دست آورد. از این رو، به وی فرمود :

«کار را واژگون کرده‌ای! می خواهی حق و باطل را به وسیله شخصیت‌ها بشناسی، درحالی که شخصیت‌ها هستند که باید با مقیاس حق، سنجیده شوند. ابتدا حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را بشناسی؛ و نیز ابتدا باطل را بشناس تا بتوانی اهل آن را شناسایی کنی»<sup>۲</sup>.

۱- المصنف فی الأحادیث و الآثار، ابوبکر بن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۳۶۶.

۲- الطراف، سید بن طاووس، ج ۱، ص ۱۳۶؛ الأمالی، طوسی، ص ۶۲۵؛ دکتر طه حسین، ادیب و نویسنده معروف مصری در کتاب «علی و بنوه» درباره این سخن حضرت علی علیه السلام می گوید : «پس از آنکه وحی خاموش شد و ندای آسمانی قطع شد، سخنی به این عظمت شنیده نشده است».

## ۲- عدالت بی‌مانند

امام علی علیه السلام پس از ۲۵ سال کنار گذاشته شدن از حق خلافت، آن‌گاه که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها بر قبول خلافت، حجت را بر خود تمام دید به صحنه آمد. ایشان از همان آغاز با الگو قرار دادن سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله مبارزه با تبعیض و نابرابری و برقراری عدالت را سرلوحه کار خود قرار داد. آن حضرت در همان روزهای آغازین حکومتش، به مسجد رفت و این‌گونه برای مردم سخنرانی کرد:

«... ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت‌المال و اموال عمومی برداشته‌اند و جیب خود را انباشته‌اند و ملک و باغ خریده‌اند... اینان در حقیقت ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده‌اند؛ اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان بازمی‌ستانم و از این پس، سهم همه مسلمانان را از بیت‌المال به طور مساوی خواهم داد».<sup>۱</sup>

فردای آن روز، پس از پرداخت هزینه‌های عمومی کشور از بیت‌المال، باقی‌مانده آن را میان مردم به طور مساوی تقسیم کرد. محرومان خوشحال شدند؛ اما عده‌ای که دوره‌های قبل دریافت‌های ویژه و کلان داشتند، اعتراض کردند.<sup>۲</sup>

ایشان در سخنرانی فرمودند: «سوگند به خدا، اگر همه دنیا را [با تمام وسعتش] به من بدهند تا به اندازه گرفتن پوست جو از دهان موری، خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد».<sup>۳</sup>

### بیشتر بدانیم

#### پاسخ امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امتیازخواهی برخی از افراد

«عده‌ای در مقام اعتراض می‌گویند علی بن ابی طالب ما را از حَقمان محروم کرد! هر کس در گذشته از اصحاب رسول خدا بوده، یا به اسلام خدمتی کرده، پاداشش با خداست [این سوابق درخشان، سبب نخواهد شد که میان آنان و دیگر مسلمانان تبعیض قائل شویم و به آنها امتیاز بیشتر بدهیم]... هر کس امروز دعوت خدا و رسولش را پذیرد و حقایق ما را تصدیق کند و در دین ما داخل شود و به سوی قبله ما نماز بخواند، یک مسلمان است و با سایر مسلمانان برابر است. بیت‌المال هم که مال همه مسلمانان است، به طور مساوی بین همه تقسیم خواهد شد و از این

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۳۷.

۲- یکی از معترضان می‌گفت: «چگونه همه ما را در یک مرتبه قرار داده و امتیازات را به کلی نادیده گرفته‌ای؟ به من و این مرد که تا مدتی پیش غلام من بود به یک اندازه از بیت‌المال داده‌ای، آیا این انصاف است؟».

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

لحاظ هیچ کس را بر دیگری امتیاز نیست. آری هر کس که متقی تر باشد، نزد خدا گرامی تر است و پرهیزکاران در قیامت بهترین پاداش را خواهند داشت؛ اما خدا دنیا را پاداش پرهیزکاران قرار نداده است. اجر و پاداش اخروی برای آنها بسی نیکوتر است<sup>۱</sup> . . . .

امام از همان ابتدا به اصلاح امور اقدام کرد و در همان آغاز، فرمانروایانی همچون معاویه را که به ناحق به پست و مقام رسیده بودند و به شیوه پادشاهان و امپراطوران ستمگر حکومت می کردند، بر کنار کرد و برای این کار چنان مصمم بود که حتی به مصلحت اندیشی برخی از یاران خویش نیز عمل نکرد. برخی به آن حضرت گفتند: معاویه فردی دنیاطلب و قدرتمند است و برکناری او، سبب جنگ با شما می گردد. فرمود: «به خدا سوگند، حتی برای دو روز نیز او را به کار نخواهم گماشت و من هیچ گاه گمراه کنندگان را کارگزار خود قرار نخواهم داد»<sup>۲</sup>.

عدالت ورزی امیرالمؤمنین علیه السلام و توجهش به محرومان و فقیران و زندگی ساده ایشان سرمشقی برای ما مسلمانان است و با اینکه نمی توانیم دقیقاً مانند ایشان عمل کنیم، اما می کوشیم خود را به این سرمشق بزرگ نزدیک تر نماییم.

ایشان، خود، در این باره، ما را راهنمایی کرده است:

روزی خیردار شد فرماندارش در بصره در یک مهمانی شرکت کرده که فقیران حضور نداشتند و غذاهای رنگارنگ چیده بودند. آن حضرت نامه ای تند به آن فرماندار نوشت و به کار وی اعتراض کرد و شیوه صحیح زندگی حاکم را توضیح داد. به او نوشت: «... من که امام شما هستم، از این جهان به دو جامه کهنه، بسنده کرده و از خوراکی ها به دو قرص نان. بدانید که شما نمی توانید این گونه زندگی کنید؛ لیکن مرا در پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری نمایید»<sup>۳</sup>.

## بیشتر بدانیم

وقتی یک نویسنده مسیحی عاشق امام علی علیه السلام می شود!

جرج جرداق (۲۰۱۵-۱۹۳۱)، نویسنده و شاعر معاصر لبنانی است. وی که یک فرد مسیحی است، چنان شیفته شخصیت امام علی علیه السلام می شود که پنج جلد کتاب درباره آن حضرت می نویسد. جلد اول آن «امام علی، صدای عدالت انسانی» نام دارد. وی در این کتاب

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۲۷؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۲، ص ۲۷

۲- مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۳۶۴؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۹۵.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

می‌نویسد : «ای دنیا، چه می‌شد اگر همهٔ توان خود را گرد می‌آوردی و در هر روزگار یک «علی» با آن قلب و زبان عنایت می‌کردی».

جملهٔ پشت جلد کتاب جرداق مسیحی این بود :

O'Ali,

If I say you're superior to Jesus Christ, my religion cannot accept it!

If I say he's superior to you, my conscience won't accept it!

I don't say you're God!

...So, tell us yourself, o'Ali:

Who are you?!

«ای علی!

اگر بگویم تو از مسیح بالاتری، دینم نمی‌پذیرد!

اگر بگویم او از تو بالاتر است، وجدانم نمی‌پذیرد!

نمی‌گویم تو خدا هستی ...!

پس خودت به ما بگو ای علی :

تو کیستی؟!»

جرج جرداق بر سردر خانهٔ خود نوشته بود : «لافتی الآ علی لاسیف الآ ذوالفقار».

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل بی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	مخاطب
۱	نقش نگار : مروری بر زندگانی امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small>	گردآورنده : محمد محمدیان برگرفته از سخنان رهبر معظم انقلاب (سید علی خامنه‌ای)		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم
۲	جاذبه و دافعه علی <small>علیه السلام</small>	شهید مرتضی مطهری	-	صدرا	معلم/ دانش آموز
۳	سیری در نهج البلاغه	شهید مرتضی مطهری	-	صدرا	معلم/ دانش آموز
۴	فروغ ولایت : تاریخ تحلیلی زندگانی امام علی <small>علیه السلام</small>	جعفر سبحانی		صحیفه خرد	معلم/ دانش آموز
۵	امام علی <small>علیه السلام</small> صدای عدالت انسانی	جرج جرداق	سید هادی خسروشاهی	بوستان کتاب	معلم/ دانش آموز
۶	خلاصه زندگانی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	سید جعفر شهیدی و سید هاشم رسول محلاتی	-	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم
۷	علی <small>علیه السلام</small> فراسوی ادیان (امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> در کلام اندیشمندان غیر مسلمان)	حمزه کریم خانی؛ سید محمد علی صمدانی		دانش حوزه	معلم/ دانش آموز
۸	علی <small>علیه السلام</small> چهره درخشان اسلام	ابن ابی الحدید معتزلی	علی دوانی	بنیاد نهج البلاغه	معلم
۹	فضائل علی <small>علیه السلام</small> از زبان غیر شیعه	محمد تقی صرفی		برگزیده	معلم/ دانش آموز

